

دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، سال پنجم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صفحات ۱۹۱-۱۶۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۲۸

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۰۲/۱۱

ساخت و اعتباریابی پرسشنامه سنجش گرایش به ارزش‌های دموکراتیک در

میان شهروندان

فاطمه گلابی^۱

محمدباقر علیزاده اقدم^۲

رحیم بدری گرگری^۳

مهدی رفیعی^۴

چکیده

ارزش‌های دموکراتیک از مفاهیم بسیار پرکاربرد در حوزه علوم اجتماعی و علوم سیاسی است که تاکنون پرسشنامه‌ای جامع، دارای اعتبار، و قابل اتکاء برای سنجش آن در ایران طراحی نشده است. طراحی و اعتباریابی پرسشنامه‌های معتبر برای سنجش متغیرهای اجتماعی همواره یکی از دغدغه‌های اصلی پژوهشگران حوزه علوم اجتماعی بوده است. مقاله حاضر ضمن اشاره به تلاش‌های انجام شده در این زمینه و بر شمردن نکات مثبت و قابل نقد این تلاش‌ها، به طراحی پرسشنامه‌ای جامع در زمینه سنجش میزان گرایش افراد به ارزش‌های دموکراتیک می‌پردازد و ضمن پرهیز از گزینه‌ها و گویه‌های نقدپذیر و نه چندان مناسب به کار رفته در برخی از پرسشنامه‌های موجود، گزینه‌ها و گویه‌های مناسب را یکجا جمع کرده و سپس به هنجارسنجی و اعتباریابی آن به صورتی عملی در یک جمعیت نمونه ۶۰۰ نفری در شهر ارومیه که یکی از شهرهای چند مذهبی و چند قومیتی ایران به شمار می‌رود، اقدام نموده است. ارزش‌های دموکراتیک در سه مجموعه کلی "آزادی" (شامل آزادی‌های فردی، آزادی‌های گروهی، و آزادی رسانه‌ها)، "مدارا" (شامل مدارای فردی، مدارای اجتماعی، مدارای سیاسی، مدارای جنسیتی، مدارای مذهبی، و مدارای قومی)، و "مشارکت" (شامل مشارکت‌های فردی و مشارکت‌های جمعی) جمع‌آوری شده‌اند و اعتبار پرسشنامه با کمک اساتید جامعه‌شناسی تأیید شده و در نهایت، برای سنجش روایی متغیر، و ابعاد و گویه‌های مرتبط با آن از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است.

واژگان کلیدی: دموکراسی، ارزش‌های دموکراتیک، روش پیمایشی، مدارا، مشارکت، آزادی.

Email: f.golabi@gmail.com

Email: aghdam1351@yahoo.com

Email: badri_rahim@yahoo.com

Email: rafteem@yahoo.com

۱- دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)

۲- دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز

۳- دانشیار گروه علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تبریز

۴- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز و مربی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور

مقدمه

دموکراسی^۱ مبتنی بر این استدلال است که همه افراد جامعه حق دارند در تعیین سرنوشت خود سهم داشته باشند و نمی‌توان آن‌ها را به دلایلی همچون جنسیت، قومیت، دین و مذهب و غیره از این حق محروم کرد. در حالی که در بیشتر حکومت‌های پادشاهی قرون وسطا حق حاکمیت بر جامعه و تک تک افراد ملت بنابر دلایلی چون وراثت یا حق الهی حاکمیت به یک فرد خاص و اطرافیانش تعلق می‌گرفت و همگان موظف بودند از دستورات شخص پادشاه و عوامل او تبعیت کنند و حتی با وجود عدم موافقت با اراده و خواست پادشاه چاره‌ای جز اطاعت و پیروی از فرامین صادر شده نداشتند، در دموکراسی این مسأله مطرح می‌شود که هیچ فرد یا گروه خاصی حقی ذاتی برای حاکمیت ندارند و تعلق به یک قومیت یا یک گروه خاص یا تعلق به یک خانواده سلطنتی هیچ‌گونه حقی برای اعمال حاکمیت بوجود نمی‌آورد و تنها منبعی که می‌تواند این حق را به فرد یا گروهی واگذار نماید، همانا اراده و خواست مردم است. بنابراین حق حاکمیت در اصل متعلق به مردم است و آن‌ها این حق خود را به فرد یا گروهی واگذار می‌کنند تا اداره امور عمومی جامعه را بر عهده گرفته و اعمال حاکمیت نماید.

سخن از ارزش‌های دموکراتیک^۲ از این حیث دارای اهمیت است که وجود و ظهور دموکراسی بدون وجود و ظهور این ارزش‌ها قابل تحقق نیست چرا که این ارزش‌ها و نگرش‌ها هستند که همه چیز از جمله وجود یا عدم وجود دموکراسی و ماهیت و ویژگی‌های آن در هر جامعه خاصی را تعیین می‌کنند. همانگونه که مایکل راش^۳ عنوان کرده است در نهایت دموکراسی به ارزش‌ها و نگرش‌ها مربوط می‌شود (راش، ۱۳۸۳: ۹۳). این ارزش‌ها، جهان‌بینی، طرز تلقی از مفاهیم خوب و بد، شایسته‌ها و نا شایسته‌ها، بایدها و نبایدها و در کل فرهنگ یک اجتماع است که تعیین‌کننده میزان گرایش افراد آن جامعه به دموکراسی یا عدم تمایل و دوری‌شان از آن است. در واقع جامعه ای را می‌توان دارای پتانسیل برخوردار

1- Democracy

2- Democratic Values

3- Michael Rush

از دموکراسی و استقرار و ثبات آن دانست که در آن، تفاوت انسان‌ها مورد احترام قرار گیرد و گوناگونی و تکثر افراد و گروه‌ها به لحاظ فکر و اندیشه و باورها و ارزش‌ها نه تنها عاملی برای بازداشتن برخی از این افراد یا گروه‌ها از حق مشارکت در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود نباشد بلکه اصولاً چنین گوناگونی و تکثری مورد حمایت و تشویق نیز قرار بگیرد.

طراحی و اعتباریابی پرسشنامه‌های معتبر برای سنجش متغیرهای اجتماعی همواره یکی از دغدغه‌های اصلی پژوهشگران حوزه علوم اجتماعی بوده است. یکی از مفاهیم بسیار پرکاربرد در حوزه علوم اجتماعی و علوم سیاسی مفهوم ارزش‌های دموکراتیک است که تاکنون پرسشنامه‌ای جامع، دارای اعتبار، و قابل اتکاء برای سنجش آن در ایران طراحی نشده است. البته تلاش‌های قابل تقدیر و شایان توجهی در این باره از طرف برخی از اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی و سیاسی صورت گرفته است با این حال این تلاش‌ها که به صورتی جداگانه و غالباً در قالب سنجش «فرهنگ سیاسی»^۱ مردم صورت گرفته‌اند، به خلق ابزاری قابل اتکاء که دارای جامعیت و شمول لازم برای سنجش متغیر پر اهمیتی همچون ارزش‌های دموکراتیک باشد، منجر نشده است. با توجه به این مسأله در مقاله حاضر ضمن اشاره به تلاش‌های انجام شده در این زمینه و بر شمردن نکات مثبت و قابل نقد این تلاش‌ها، به طراحی پرسشنامه‌ای جامع در زمینه سنجش میزان گرایش افراد به ارزش‌های دموکراتیک اقدام شده است که ضمن پرهیز از گزینه‌ها و پرسش‌های نقدپذیر و نه چندان مناسب بکار رفته در برخی از پرسشنامه‌های حاضر، گزینه‌ها و پرسش‌های مناسب و مطمئن به کار رفته در این پرسشنامه‌ها را یکجا جمع نموده و اقدام به هنجارسنجی و اعتباریابی آن به صورتی عملی و با استفاده از آزمون‌های آماری متناسب نموده است.

اهمیت و لزوم وجود پرسشنامه‌ای استاندارد برای سنجش میزان گرایش افراد به ارزش‌های دموکراتیک از آنروست که تنها سوالات اعتباریابی شده قابل استفاده برای محقق ایرانی علاقه‌مند به تحقیق در این زمینه، یا تعداد محدودی سوالات به کار رفته در برخی از

تحقیقات و پیمایش‌های مرتبط با شناخت «ارزش‌ها و نگرش‌های» مردم ایران از مقولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است که غالباً به‌وسیله موسسات و نهادهای دولتی انجام شده است (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۳؛ ایسپا، ۱۳۸۵) و طبعاً به‌خاطر گستردگی و تنوع مقولات فرهنگی و اجتماعی مختلف مورد سنجش در این گونه پیمایش‌ها، تعداد بسیار اندکی از سوالات به سنجش میزان گرایش به ارزش‌های دموکراتیک اختصاص یافته است و یا برخی از سوالات مربوط به سنجش میزان گرایش به ارزش‌های دموکراتیک در بعضی از پژوهش‌های صرفاً به سنجش و ارزیابی فرهنگ سیاسی مردم پرداخته است و توسط برخی از پژوهشگران و اساتید حوزه‌های علوم اجتماعی و سیاسی انجام شده است (احمدی، ۱۳۹۰؛ ذوالفقاری، ۱۳۹۰؛ فاضلی و کلانتری، ۱۳۹۱؛ احمدی و نمکی، ۱۳۹۲؛ بهمنی طراز و دلوری، ۱۳۹۳؛ شیرینی، ۱۳۹۳؛ شریفی و همکاران، ۱۳۹۴). هر کدام با وجود داشتن گزینه‌ها و پرسش‌های مناسب و قابل استفاده، دارای پرسش‌هایی ضعیف و یا قابل انتقاد نیز هستند که در بخش‌های بعدی مقاله حاضر به تفصیل بیشتری مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند.

پیشینه نظری

تعریف دموکراسی

دموکراسی واژه‌ای یونانی است که از واژه دمو^۱ (به معنی مردم) و کراتوس^۲ (به معنی حکومت) تشکیل شده است. دموکراسی یکی از گونه‌های ممکن حکومت است که در آن برخلاف حکومت‌های پادشاهی و اشرافی که حکومت در دست یک یا چند نفر است، حکومت از آن همگان است یا به بیان دقیق‌تر، اکثریت، یا حکومت به وسیله مردم (هلد، ۱۳۸۴: ۱۴). بنابراین، مفهوم دموکراسی از جمله مفاهیم اجتماعی-سیاسی ای است که قدمتی بسیار طولانی داشته و تاریخچه آن به یونان باستان برمی‌گردد و امروزه از مهم‌ترین مفاهیم علوم اجتماعی و سیاسی به شمار می‌رود. بدین ترتیب دموکراسی به معنای «حکومت مردم بر مردم» یا «حکومت به وسیله مردم» می‌باشد (عالم، ۱۳۷۵: ۲۹۳) و مفهومی است که دارای تعاریف متعددی بوده و معانی متفاوتی از آن تاکنون ارائه شده است.

1- Demo

2- Kratos

دیوید هلد^۱ با بررسی سیر تاریخی تحولات مفهوم دموکراسی، دوگونه مدل دموکراسی کلاسیک و مدرن را از هم تفکیک کرده است و انواعی از دموکراسی را در هر یک جای داده است (هلد، ۱۳۶۹: ۲۱). از خصوصیات دموکراسی کلاسیک از نظر دیوید هلد می‌توان به مشارکت مستقیم شهروندان در امور قانونگذاری اشاره کرد. این مدل در یونان باستان و با خصوصیات شهروندان محدود آتن رهگیری شده است (Held, 1996: 33). اما دموکراسی مدرن انواع و اقسام زیادی دارد و اندیشمندان و نظریه‌پردازان مختلف به صورت‌هایی متفاوت و مختلف درباره انواع و ویژگی‌ها و خصیصه‌های آن‌ها اظهار نظر کرده‌اند. به‌عنوان مثال خود دیوید هلد در این باره چندین مدل را در کتاب خود تحت عنوان "مدل‌های دموکراسی"^۲ که در سال ۱۹۹۶ به چاپ رسیده نام برده که عبارتند از دموکراسی حمایتی^۳، تکاملی رادیکال^۴، تکاملی^۵، مستقیم مارکسیستی^۶، نخبه‌گرای رقابتی^۷، تکثرگرایانه^۸، حقوقی^۹، مشارکتی^{۱۰}، خودمختار^{۱۱}، و فراگیر جهانی^{۱۲} (همان: ۹۹-۳۳۸). یا برتراند راسل^{۱۳} که در یک معنا دموکراسی را به «دموکراسی حقیقی» و «غیرحقیقی» تقسیم کرده است و ملاک این تقسیم‌بندی و مهم‌ترین شاخصه حقیقی بودن دموکراسی از نظر وی احساس قدرت قوی رای‌دهندگان است و اینکه بر این اساس از حق رای خود استفاده کنند. از سوی دیگر وقتی احساس قدرت رای‌دهندگان آنقدر ضعیف باشد که غالباً لازم نبینند از حق رای خود استفاده کنند دموکراسی غیرحقیقی شکل می‌گیرد (راسل، ۱۳۷۱: ۲۴۳).

-
- 1- David Held
 - 2- Models of Democracy
 - 3- Supportive Democracy
 - 4- Radical Evolutionary
 - 5- Evolutionary
 - 6- Direct Marxism
 - 7- Contesting Elitist
 - 8- Pluralistic
 - 9- Legal
 - 10- Participatory
 - 11- Autonomous
 - 12- Cosmopolitan
 - 13- Bertrand Russell

نکته اساسی درباره این تئوری‌ها و سایر تئوری‌های مطرح در باب دموکراسی این است که ارزش‌هایی همچون آزادی شرکت در تصمیم‌گیری درباره سرنوشت سیاسی-اجتماعی خود برای همه شهروندان، تساهل و مدارا با گروه‌های فرهنگی مختلف ساکن در جامعه و برخورد یکسان و مبتنی بر عدالت با تمامی این گروه‌ها و دسته‌بندی‌ها و اجازه مشارکت فعال در عرصه مسائل عمومی جامعه، از جمله مهم‌ترین و اساسی‌ترین اصول و ارزش‌های دموکراتیک به شمار می‌روند و تنها در صورت تضمین آزادی‌های فردی و اجتماعی برای همگان، تساهل و مدارا با همه گروه‌های فرهنگی و قومی و ایجاد زمینه‌ها و شرایط لازم برای مشارکت همه شهروندان در عرصه عمومی جامعه فارغ از تعلق آنان به گروه یا قومیتی خاص است که می‌توان مدعی وجود دموکراسی در جامعه بود و عدم وجود هر یک از مقوله‌های آزادی، مدارا، و مشارکت در یک جامعه به معنی غیردموکراتیک بودن آن جامعه است و بر پایه همین مسأله می‌توان مدعی شد اگر شهروندان یک جامعه به ارزش‌هایی همچون آزادی، مدارا، و مشارکت اعتقاد و التزام داشته باشند، این امر نشان‌دهنده گرایش آنان به دموکراسی و ارزش‌های دموکراتیک است و عدم اعتقاد یا اعتقاد پایین به ارزش‌های اساسی آزادی، مدارا، و مشارکت از سوی مردم یک جامعه نشان‌دهنده عدم گرایش آنان به سوی دموکراسی و ارزش‌های دموکراتیک است.

مصادیق ارزش‌های دموکراتیک

درباره ارزش‌های دموکراتیک فهرست‌های متفاوتی از طرف اندیشمندان مختلف ارائه شده است به‌عنوان مثال، بیتهام و بویل^۱ (۱۳۷۶) ارزش‌های دموکراتیک را شامل اعتقاد به کسب قدرت از طریق رقابت سالم در انتخابات، پاسخگویی حکومت به مردم، تساوی حقوق انتخاب و کاندیدا شدن، تضمین قانون در جهت حفظ حقوق مدنی و سیاسی، تضمین آزادی‌های اولیه چون آزادی بیان، آزادی اجتماعات، امنیت فردی و آزادی مهاجرت، نوسازی اجتماعی به‌عنوان برنامه اصلی نظام، و کثرت‌گرایی می‌دانند (بیتهام و بویل، ۱۳۷۶: ۱۷). ایفیناچو^۲ و همکاران (۲۰۰۹) باورداشتن به مطلوبیت حکومت یا رضایت عامه، پاسخگویی

1- Beetham and Boyle

2- Ifeanacho

حاکمان در برابر عموم مردم، نافذ بودن رأی اکثریت، احترام به حقوق اقلیت به‌عنوان شهروند، آزادی انجمن‌ها، همزیستی با مخالفان، و پا فشاری بر حقوق و آزادی‌های مدنی را در زمره ارزش‌های دموکراتیک قلمداد می‌کنند (Ifeanacho et al, 2009: 16). پیلائی^۱ و همکاران (۲۰۱۱) میزان گرایش به ارزش‌های دموکراتیک را با چهار سوال درباره -میزان دموکراتیک بودن قوانین محلی؛ -نگرش به آزادی اندیشه؛ -نگرش به آزادی بیان؛ و -نگرش به آزادی مذهبی مورد سنجش قرار داده‌اند (احمدی و نمکی، ۱۳۹۲: ۱۴۰). برخی از اندیشمندان نیز معتقدند افرادی که دارای فرهنگ سیاسی دموکراتیک هستند (گرایش به ارزش‌های دموکراتیک دارند) از ارزش‌های فرامادی برخوردار بوده، نگرش مثبتی نسبت به برابری جنسیتی داشته، بر ویژگی‌های استقلال و خود مختاری فردی تأکید می‌کنند و نگرشی متساهلانه نسبت به دیگران دارند (Inglehart & Welzel, 2009: 132).

از نظر اینگلهارت و ولزل^۲ (۲۰۰۹) در فرایند دموکراتیک شدن، باورهای توده نقش محوری ایفا می‌کنند. از نظر آنان رشد منابع گوناگون، موجب رشد ارزش‌های رهاینده‌ای می‌شوند که بر ابراز وجود تأکید می‌کنند و این ارزش‌ها، منشأ کنش‌های جمعی هستند که به دموکراتیک شدن منجر می‌شوند (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۱۲۳). برای این متفکرین ارزش‌های ابراز وجود بر آزادی فردی، تنوع انسانی، و استقلال مدنی تأکید دارند. ارزش‌های ابراز وجود از نظر آنان، دربردارنده تأکید فرامادی‌گرایانه بر آزادی فردی و سیاسی، فعالیت‌های معترضانه شهروندان، تساهل نسبت به آزادی دیگران، و تأکید بر رفاه ذهنی هستند که در رضایت از زندگی منعکس می‌شود (احمدی و نمکی، ۱۳۹۲: ۱۳۵). می‌توان گفت آنان در ارائه نظریات خود (۲۰۰۵، ۲۰۰۹) تحت تأثیر آلموند و وربا^۳ (۱۹۶۳) بوده‌اند که «آگاهی سیاسی»، «اعتقاد به کارایی و صلاحیت سیاسی خود به‌عنوان کنشگر سیاسی»، و «اعتقاد به تأثیرگذاری سیاست بر زندگی افراد» را از جمله مهم‌ترین شاخص‌های گونه «مشارکتی» فرهنگ سیاسی تحلیل کرده‌اند که سنخیت بالایی با الگوی فرهنگ سیاسی دموکراتیک دارد (شیری، ۱۳۹۳: ۱۱۷-۱۱۸).

1- Pillai

2- Inglehart & Welzel

3- Almond & Verba

از نظریه‌پردازان داخلی در مورد ارزش‌های دموکراتیک می‌توان از حسین بشیریه (۱۳۷۴) نام برد که معتقد است هیچ‌گونه انحصاری درباره تعداد ارزش‌های دموکراتیک نمی‌توان ارائه داد با این وجود آزادی، برابری، حاکمیت مردم، مدارای سیاسی و عقیدتی، تأکید بر حقوق طبیعی، مدنی و سیاسی انسان‌ها یا همان حقوق بشر را از جمله مهم‌ترین ارزش‌های دموکراتیک به‌شمار می‌آورد. بدین ترتیب، با مروری بر نظر اندیشمندان مختلف درباره مفهوم دموکراسی و ارزش‌های دموکراتیک می‌توان آزادی (در وجوه و جنبه‌های مختلفش)، مشارکت، و تساهل و مدارا را به عنوان مواردی که بین اکثر اندیشمندان این عرصه مشترک است نام برد. در حقیقت می‌توان گفت تنها با وجود و پایداری آزادی است که افراد برای مشارکت فعال و همه‌جانبه در اداره امور عمومی جامعه خویش انگیزه پیدا می‌کنند و همین مشارکت مؤثر و درگیری فعالانه در مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه باعث می‌شود افراد احساس همدلی و تفاهم بیشتری با هم‌میهنان خود داشته و مدارا و تساهل بیشتری با آنان به خرج دهند و در نتیجه زمینه برای استقرار و نگهداشت دموکراسی در جامعه فراهم می‌شود.

تحقیقات انجام شده در ایران

در سال‌های اخیر برخی مطالعات روشمند در مورد ارزش‌ها و گرایش‌های مردم و نیز فرهنگ سیاسی عمومی توسط برخی از سازمان‌ها و نهادهای دولتی صورت گرفته است که از جمله آن‌ها می‌توان به «پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» در دو موج و طی سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۳ اشاره کرد که توسط وزارت ارشاد و در سطح استان‌های کشور صورت گرفته و شامل سنجش برخی از ارزش‌ها و گرایش‌های سیاسی مردم ایران است (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۳). همچنین از دیگر مطالعات مهم در زمینه سنجش فرهنگ سیاسی و نگرش‌های عمومی مردم، «پیمایش ملی، فرهنگ سیاسی مردم ایران» است که توسط مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا، ۱۳۸۵) انجام شده است. این پیمایش به بررسی نگرش‌ها درباره مقولات سیاسی متفاوت با استفاده از شیوه مطالعه فرهنگ سیاسی آلموند و وربا (۱۹۶۳) پرداخته است (فاضلی و کلانتری، ۱۳۹۱: ۳). در این پیمایش ملی اطلاعات مهمی درباره فرهنگ سیاسی مردم ایران به دست آمده و از طرف

دیگر آگاهی سیاسی، احساسات افراد و ارزیابی آن‌ها در مورد نظام، فرایند و سیاست‌های نظام سیاسی مورد سنجش قرار گرفته است (همان).

نکته قابل ذکر درباره این پیمایش‌ها و پژوهش‌های دیگری از این دست آن است که این پژوهش‌ها غالباً بر مولفه‌هایی چون فرهنگ سیاسی، ارزش‌های سیاسی و اجتماعی، تغییر و تحولات در باورداشت‌های دینی و مذهبی، احساسات نسبت به نظام سیاسی و سیاستمداران حال و گذشته، سطح دانش و شناخت از اوضاع و احوال عمومی سیاسی و اجتماعی کشور تمرکز کرده‌اند و با توجه به گستردگی و دامنه وسیع متغیرهای ذکر شده، عملاً تعداد بسیار اندکی از سوالات به سنجش میزان گرایش به ارزش‌های دموکراتیک اختصاص یافته است. به‌عنوان مثال در «پیمایش ملی فرهنگ سیاسی مردم ایران» که با حمایت سازمان «پیمایش ارزش‌های جهانی»^۱ و توسط مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا، ۱۳۸۵) انجام شده است، از تعداد ۲۷۰ سوال طرح شده برای سنجش فرهنگ سیاسی افراد، تنها ۳۱ مورد کم و بیش به سنجش میزان گرایش افراد به ارزش‌های دموکراتیک پرداخته است (متغیرهای ۴۳، ۴۴، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴) که غالباً نیز درباره سنجش میزان گرایش به آزادی و مدارا و تساهل دینی و مذهبی افراد هستند.

احمدی (۱۳۹۰) در تحقیق خود با عنوان «رویکردهای قومی و گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی: مطالعه موردی شهر سنندج» با اقتباس از نظریه فرهنگ سیاسی اینگلههارت و ولزل (۲۰۰۵)، فرهنگ سیاسی مناسب دموکراسی را در بردارنده ارزش‌های ابراز وجود یا به عبارتی دیگر (رهاینده) معرفی نموده و مقوله‌های شاخص ارزش‌های ابراز وجود را شامل ارزش‌های فرامادی‌گرایی، برابری جنسیتی، شاخص استقلال، و تساهل نسبت به دیگران بر می‌شمارد و به نقل از اینگلههارت و ولزل بیان می‌دارد که افراد دارای نوع دموکراتیک فرهنگ سیاسی از ارزش‌های فرامادی برخوردار بوده، نگرش مثبتی نسبت به برابری جنسیتی داشته، بر ویژگی‌های استقلال و خودمختاری فردی تأکید نموده و رویکرد

متساهلانهای در برخورد با دیگران دارند (احمدی، ۱۳۹۰: ۲۳۵). بدین ترتیب در این پژوهش نیز ۳ گویه به سنجش میزان گرایش به برابری جنسیتی اختصاص یافته است و ۱۴ گویه نیز به سنجش معیار «شناخت و نگرش به دموکراسی» اختصاص یافته‌اند که برخی از آنان به سنجش متغیر تساهل و مدارای مذهبی و سیاسی می‌پردازند (همان).

ذوالفقاری (۱۳۹۰) در تحقیق خود با نام «رابطه نوع دینداری با نگرش به ارزش‌های دموکراتیک در میان دانشجویان تهرانی» به شیوه پیمایش و در سطح دانشجویان دانشگاه‌های دولتی تهران به بررسی رابطه دینداری با نگرش به ارزش‌های دموکراتیک با استفاده از نظریه هابرماس^۱ (۲۰۰۶) و شپرد^۲ (۱۹۸۷) در خصوص تعامل دینداران و سکولارها در مواجهه با ارزش‌های جامعه مدرن پرداخته است. او در این تحقیق، نگرش به ارزش‌های دموکراتیک را در سه بعد عاطفی (ارزشیابی)، شناختی و رفتاری (تمایل به عمل) دسته‌بندی نموده و بعد عاطفی را با پنج مؤلفه حقوق دموکراتیک عمومی، رقابت حزبی، مدارای سیاسی، حاکمیت اراده مردم، و برابری سیاسی- اجتماعی، بعد شناختی را با دو مؤلفه شناخت ارزش‌های دموکراتیک و شناخت کشورها و نهادهای دموکراتیک، و بعد رفتاری را با مولفه‌هایی همچون مشارکت در فرآیندهای دموکراتیک، حمایت از ارزش‌های دموکراتیک، و عضویت در نهادهای دموکراتیک مورد سنجش قرار داده است و در توضیح مؤلفه حقوق دموکراتیک عمومی به این مسأله اشاره نموده است که این نوع از حقوق در برگیرنده انواع آزادی‌ها از قبیل آزادی بیان، آزادی تظاهرات، و آزادی مخالفت با حکومت است (ذوالفقاری، ۱۳۹۰: ۸۹).

پژوهش دیگری درباره ارزش‌های دموکراتیک، تحقیق فاضلی و کلانتری (۱۳۹۱) تحت عنوان «ارزش‌های دموکراتیک نسل‌ها: مطالعه موردی در شهر ساری» است که در آن محققان با اقتباس از سوالات «پیمایش ملی فرهنگ سیاسی مردم ایران» که توسط مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا، ۱۳۸۵) انجام شده است، به بررسی میزان گرایش به ارزش‌های دموکراتیک در بین شهروندان شهر ساری پرداخته و نسل‌های مختلف ساکن در

1 -Habermas

2- Shepard

این شهر را از لحاظ میزان گرایش به ارزش‌های دموکراتیک مورد بررسی قرار داده‌اند. آنان ضمن بر شمردن فهرست ارزش‌های دموکراتیک که توسط برخی از اندیشمندان این حوزه (بیتهام و بویل، ۱۳۷۶؛ جلالی، ۱۳۸۰؛ Gill, 2000؛ Ifeanchi et al, 2009) مطرح شده‌اند، عنوان می‌کنند که ارزش‌های مذکور را با اندکی تسامح می‌توان در سه ارزش کلی شامل آزادی، مدارا یا تساهل، و مشارکت خلاصه کرد (فاضلی و کلاتتری، ۱۳۹۱: ۵). و بدین ترتیب ۸ گویه را به سنجش متغیر آزادی، ۸ گویه را به سنجش متغیر مدارا یا تساهل، و ۶ گویه را به سنجش متغیر مشارکت اختصاص داده و در مجموع ۲۲ گویه یا پرسش را برای سنجش میزان گرایش به ارزش‌های دموکراتیک مورد استفاده قرار می‌دهند.

احمدی و نمکی (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان "فرهنگ سیاسی دموکراتیک در میان نسل‌های ایرانی: تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی برای ایران، اقوام و استان‌های آن" میزان ظهور ارزش‌های ابراز وجود و نگرش‌های دموکراتیک و تفاوت این میزان در میان نسل‌ها، اقوام و استان‌های ایران را با تحلیل واریانس یکطرفه^۱ مورد سنجش قرار داده‌اند. آنان در پژوهش خود ضمن اقتباس مدلی برای سنجش ارزش‌های دموکراتیک که برگرفته از مدل ارزش‌های ابراز وجود اینگلههارت و ولزل (۲۰۰۹) است، دو شاخص استقلال (با ۴ گویه) و شاخص نگرش به برابری جنسیتی (با ۴ گویه) را به‌عنوان معرف‌های مدل ارزش‌های ابراز وجود در نظر گرفته و شاخص‌های ارزش‌های فرامادی‌گرایی (با ۳ گویه) و تساهل (با ۴ گویه) را به‌عنوان مکملی بر مدل ارزش‌های ابراز وجود، از جمله ابعاد فرهنگ سیاسی دموکراتیک در نظریه اینگلههارت و ولزل معرفی می‌کنند (احمدی و نمکی، ۱۳۹۲: ۱۴۱).

بهمنی طراز و دلاوری (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان «طبقه متوسط جدید و فرهنگ مردم‌سالاری در ایران: بررسی موردی شهر همدان» مدل به‌کار رفته در پژوهش خود برای اندازه‌گیری و شاخص‌یابی فرهنگ سیاسی مردم‌سالارانه را ترکیبی از مدل تسلا و گائو^۲ (۲۰۰۹) و اینگلههارت و ولزل (۲۰۰۹) معرفی کرده و آن را شامل مؤلفه‌های هفتگانه مدارای

1- One-way analysis of variance

2- Tessler & Gao

سیاسی، حمایت از برابری جنسیتی در عرصه سیاست، حمایت از آزادی‌های سیاسی، ترجیح نظام سیاسی دموکراتیک، مشارکت سیاسی، علاقه سیاسی، و دانش سیاسی می‌دانند (بهمنی طراز و دلاوری، ۱۳۹۳: ۶۰-۶۱) و بر این اساس این مؤلفه‌ها را مجموعاً با ۲۹ گویه شامل ۴ گویه برای سنجش مدارای سیاسی، ۴ گویه برای سنجش حمایت از برابری جنسیتی در عرصه سیاست، ۵ گویه برای حمایت از آزادی‌های سیاسی، ۴ گویه برای سنجش ترجیح نظام سیاسی دموکراتیک، ۵ گویه برای سنجش مشارکت سیاسی، ۳ گویه برای سنجش علاقه سیاسی و ۴ گویه برای سنجش دانش سیاسی، مورد اندازه‌گیری قرار داده‌اند (بهمنی طراز و دلاوری، ۱۳۹۳: ۶۲).

شیری (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان «زیست جهان دانشگاهی و نقش آن در شکل‌گیری فرهنگ سیاسی دموکراتیک (پیمایشی در بین دانشجویان دانشگاه تهران)» به بررسی فرهنگ سیاسی در چارچوب دو نوع آرمانی^۱ «فرهنگ سیاسی دموکراتیک» و «فرهنگ سیاسی غیردموکراتیک» پرداخته و این گونه‌شناسی را از طریق پنج شاخص شامل آگاهی سیاسی، اعتقاد به کارایی و صلاحیت سیاسی خود به‌عنوان کنشگر سیاسی، اعتقاد به تأثیرگذاری سیاست بر زندگی افراد (برگرفته از نظریه فرهنگ سیاسی آلموند و وربا، ۱۹۶۳)، اعتقاد به دموکراسی و حمایت از آن (برگرفته از نظریه لاری دایاموند^۲، ۲۰۰۳) و اعتقاد به ارزش‌های دموکراتیک، مورد سنجش قرار داده (شیری، ۱۳۹۳: ۱۱۷) و در مجموع از ۸ گویه برای سنجش میزان گرایش افراد به ارزش‌های دموکراتیک استفاده کرده است.

شریفی و همکاران (۱۳۹۴) نیز در تحقیق خود با عنوان «تحلیل فرهنگ سیاسی ایران: مطالعه موردی شهروندان شهرهای ارومیه و خرم‌آباد» ضمن اقتباس از نظریه فرهنگ سیاسی اینگلههارت و ولزل (۲۰۰۹)، فرهنگ سیاسی دموکراتیک‌گرایانه را به‌واسطه دو مدل ارزش‌های ابراز وجود و فرامادی‌گرایانه و مدل ارزش‌های عقلانی مورد سنجش قرار داده‌اند. آنان از ۶ مؤلفه برای ارزیابی ارزش‌های ابراز وجود و فرامادی‌گرایانه استفاده کرده و ارزش‌های عقلانی را در ۴ مقوله شامل جهت‌گیری نسبت به سیستم سیاسی همگرایانه (با ۶ مؤلفه)،

1- Ideal Type

2- Diamond

جهت‌گیری نسبت به عمل جمعی مشارکت‌جویانه (با ۵ مولفه)، تأکید بر الگوی تربیتی مشارکت‌جویانه (با ۷ مولفه)، و دین‌داری تعقلی، مورد سنجش قرار داده‌اند (شریفی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۸).

نقد وارد بر اکثر تحقیقات موجود در زمینه سنجش گرایش به ارزش‌های دموکراتیک را می‌توان از دو جنبه مورد بررسی قرار داد. اولاً با توجه به اینکه بسیاری از این تحقیقات به دنبال بررسی مفهوم «ارزش‌ها و نگرش‌ها» و مفهوم «فرهنگ سیاسی» بوده‌اند (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۳؛ ایسپا، ۱۳۸۵؛ احمدی، ۱۳۹۰؛ احمدی و نمکی، ۱۳۹۲؛ بهمنی طراز و دلاوری، ۱۳۹۳؛ شیری، ۱۳۹۳؛ شریفی و همکاران، ۱۳۹۴)، به‌خاطر گستردگی و دامنه وسیع مفاهیم «ارزش‌ها و نگرش‌ها» و مفهوم «فرهنگ سیاسی» و با توجه به اینکه گرایش به ارزش‌های دموکراتیک فقط بعدی از ابعاد بی‌شمار مفاهیم ارزش‌ها و نگرش‌ها و مفهوم فرهنگ سیاسی به‌شمار می‌رود، تعداد بسیار اندکی از سوالات در این پژوهش‌ها به سنجش میزان گرایش افراد به ارزش‌های دموکراتیک اختصاص یافته‌اند. البته واضح است که نمی‌توان از این تحقیقات انتظار آن را داشت که مفاهیم «ارزش‌ها و نگرش‌ها» و مفهوم «فرهنگ سیاسی» را به‌صرف مفهوم ارزش‌های دموکراتیک تقلیل داده و فقط از سوالات مرتبط با سنجش میزان گرایش به ارزش‌های دموکراتیک استفاده نمایند، اما نکته قابل ملاحظه و مسأله مورد تأکید ما این است که برای محقق علاقه‌مند به پژوهش در زمینه سنجش گرایش افراد به ارزش‌های دموکراتیک، این تعداد از گویه‌ها و سوالات که در این پژوهش‌ها به سنجش میزان گرایش و تمایل افراد به ارزش‌های دموکراتیک اختصاص یافته‌اند - به‌خاطر دامنه وسیع مفاهیم ارزش‌ها و نگرش‌ها و مفهوم فرهنگ سیاسی، تعداد بسیار محدودی هستند - به هیچ‌وجه کافی نبوده و برای سنجش چنین مفهوم گسترده‌ای کفایت نمی‌کنند.

ثانیاً با توجه به اینکه بسیاری از این تحقیقات با اقتباس از نظریات مطرح جهانی در زمینه فرهنگ سیاسی و تحت تأثیر این نظریات و با الهام از آنان تدوین یافته و به انجام رسیده‌اند (ایسپا، ۱۳۸۵ با اقتباس از فرهنگ سیاسی آلموند و وربا، ۱۹۶۳؛ احمدی، ۱۳۹۰ با اقتباس از فرهنگ سیاسی اینگلهارت و ولزل، ۲۰۰۵؛ ذوالفقاری، ۱۳۹۰ با اقتباس از نظریه

دموکراسی بیتهم، ۱۹۹۹ و نظریه فضای عمومی^۱ هابرماس، ۲۰۰۶؛ فاضلی و کلانتری، ۱۳۹۱ با اقتباس از فرهنگ سیاسی آلموند و وربا، ۱۹۶۳؛ احمدی و نمکی، ۱۳۹۲ با اقتباس از فرهنگ سیاسی اینگلهارت و ولزل، ۲۰۰۹؛ بهمنی طراز و دلاوری، ۱۳۹۳ با اقتباس از مدل فرهنگ سیاسی مردم سالارانه تسلر و گائو، ۲۰۰۹ و فرهنگ سیاسی اینگلهارت و ولزل، ۲۰۰۹؛ شیری، ۱۳۹۳ با اقتباس از نظریه فرهنگ سیاسی آلموند و وربا، ۱۹۶۳ و نظریه فرهنگ سیاسی لاری دایاموند، ۲۰۰۳؛ و شریفی و همکاران، ۱۳۹۴ با اقتباس از نظریه فرهنگ سیاسی اینگلهارت و ولزل، ۲۰۰۹)، برخی از سوالات مطرح شده برای سنجش فرهنگ سیاسی مردم‌سالارانه در این پژوهش‌ها هر چند قابلیت مطرح شدن در جامعه غربی با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و هنجارهای رایج در آن جوامع را دارند، اما در جامعه ما با توجه به ویژگی‌های خاص فرهنگی و ارزش‌ها و باورداشت‌های غالباً مذهبی مردم نمی‌توان آن‌ها را به راحتی مطرح نمود و در صورت طرح شدن نیز با توجه به ماهیت این نوع سوالات می‌توان از ابتدا انتظار آن را داشت که تقریباً همه افراد نظری منفی درباره آن‌ها داشته و به آنان پاسخ منفی بدهند و عده‌ای هم در صورت موافق بودن با آنان، نظر واقعی خود را مطرح نمایند از جمله چنین مواردی می‌توان به مسائلی هم‌چون تساهل در برابر همجنس‌گرایی^۲، تساهل در برابر فحشاء (خودفروشی)، تساهل در برابر سقط جنین، تساهل در برابر طلاق، تساهل در برابر اتانازی^۳ - پایان دادن به زندگی بیماران غیرقابل علاج، تساهل در برابر خودکشی، تساهل در برابر رابطه جنسی دختر و پسر پیش از ازدواج، مخالفت با داشتن رهبر قدرتمند، مخالفت با داشتن حکومت بنیادگرای دینی (برگرفته از مدل فرهنگ سیاسی دموکراتیک اینگلهارت و ولزل ۲۰۰۵ و ۲۰۰۹)، اشاره کرد. لذا ما در طراحی پرسشنامه فعلی برخی از سوالات این‌چنینی را حذف نموده و برخی دیگر را با سوالات دیگری که تناسب بیشتری با فرهنگ و هنجارهای جامعه ما دارند جایگزین نموده ایم و پرسشنامه به‌دست آمده را به‌صورتی عملی مورد اعتبارسنجی قرار داده‌ایم که در بخش روش تحقیق به تفصیل بیشتر در این باره بحث شده است.

1- Public Sphere

2- Homosexuality

3- Euthanasia

روش پژوهش

این پژوهش بخشی از رساله دکترای جامعه‌شناسی با عنوان «بررسی رابطه هوش فرهنگی، اجتماعی، عاطفی، و اخلاقی با گرایش به ارزش‌های دموکراتیک (مطالعه موردی شهر ارومیه)» است^۱ و فکر تدوین آن زمانی به‌وجود آمد که به این مسأله پی بردیم که پرسشنامه‌ای جامع و استاندارد برای سنجش میزان گرایش افراد به ارزش‌های دموکراتیک وجود ندارد. لذا طراحی این پرسشنامه با هدف مقیاس‌سازی^۲ برای پژوهشگران و دانشجویان علاقه‌مند به مطالعات دموکراتیک^۳ و با هدف ایجاد ابزاری برای سنجش میزان گرایش افراد به ارزش‌های دموکراتیک صورت گرفته است. با توجه به این مسأله، ما بسیاری از تحقیقات و پژوهش‌های مرتبط با فرهنگ سیاسی و ارزش‌های دموکراتیک را بررسی نموده و سؤالاتی را که در اغلب این تحقیقات به‌طور مشترک به‌کار رفته و بنابراین بارها آزموده شده و اعتبارسنجی شده بودند، در قالب سه ارزش یا متغیر کلی آزادی (با ۳ بعد)، مدارا-تساهل (با ۶ بعد)، و مشارکت (با ۲ بعد) مشخص نمودیم.

وجود ابعاد بیشتر برای متغیر مدارا یا تساهل از آن جهت بوده است که جامعه مورد بررسی جامعه‌ای چند مذهبی، چند قومیتی، و چند فرهنگی است و لازم است سؤالاتی در پرسشنامه وجود داشته باشند که نظرات افراد را درباره تمامی وجوه و جنبه‌های مختلف این تنوع مذهبی، قومیتی، و فرهنگی بسنجند. انتخاب شهر ارومیه به‌عنوان محل آزمون و اعتبارسنجی پرسشنامه که یکی از شهرهای چندمذهبی، چندقومیتی، و چندفرهنگی ایران به‌شمار می‌رود، از همین رو است. جدول شماره (۱) نشان‌دهنده متغیرهای (ارزش‌های) اصلی، ابعاد مختلف هر یک از این متغیرها (ارزش‌ها)، و تعداد گویه‌های اختصاص یافته به هر یک از این ابعاد مختلف در پرسشنامه است.

جامعه آماری این پژوهش کلیه شهروندان شهر ارومیه است و جمعیت نمونه یک جمعیت ۶۰۰ نفری از شهروندان این شهر است که با توجه به اینکه ارومیه دارای ۵ منطقه شهری

۱- رساله دکترای جامعه‌شناسی مهدی رفیعی در دانشگاه تبریز

2- Scaling

3- Democratic Studies

است و تعداد جمعیت مناطق مختلف براساس این که تقریباً نزدیک بهم هستند، از هر منطقه تعداد ۱۲۰ خانواده به صورت تصادفی برای پرسشگری انتخاب شدند.

جدول شماره ۱: ارزش‌های دموکراتیک اصلی و ابعاد و تعداد گویه‌های اختصاص یافته به هر بعد

ابعاد و تعداد گویه‌های هر بعد					ارزش‌های دموکراتیک اصلی	
			رسانه‌ها	گروهی	فردی	آزادی
			۷گویه	۵گویه	۵گویه	
قومی	مذهبی	جنسیتی	سیاسی	اجتماعی	فردی	مدارا - تساهل
۷گویه	۱۱گویه	۱۲گویه	۶گویه	۴گویه	۴گویه	
				جمعی	فردی	مشارکت
				۷گویه	۱۱گویه	

محقق و همکاران با بررسی پژوهش‌های مختلف انجام شده درباره متغیرهای ارزش‌ها و نگرش‌ها، فرهنگ سیاسی، و ارزش‌های دموکراتیک در شهرهای مختلف کشور، گویه‌هایی را که به طور مشترک در اغلب این پژوهش‌ها به کار رفته و در طی این تحقیقات مورد اعتبارسنجی قرار گرفته بودند، یکجا جمع نموده و گویه‌های نامناسب و نامعتبر را حذف و بدین ترتیب، گویه‌ها را در سه بعد یا ارزش اصلی آزادی، مدارا، و مشارکت در یک پرسشنامه واحد جمع کردند و در یک نمونه ۶۰۰ نفری در شهر ارومیه که از جمله شهرهای چند قومیتی و چند مذهبی ایران به شمار می‌رود به آزمون گذاشته و مورد اعتبارسنجی قرار دادند. جدول شماره (۲) نشان‌دهنده گویه‌های مختلف به کار رفته در پرسشنامه و محقق ساخته حاضر پژوهش‌هایی است که این گویه‌ها قبلاً در آن پژوهش‌ها به کار رفته بودند.

جدول شماره ۴: گویه‌ها در پرسشنامه حاضر و پژوهش‌های انجام یافته

ارزش‌های دموکراتیک	ابعاد	گویه‌های ابعاد و پژوهش‌هایی که این گویه‌ها قبلاً در آنها مورد استفاده قرار گرفته‌اند
	فردی	افراد باید بتوانند آزادانه و بدون ترس درباره مسائل جامعه با هم سخن بگویند. باید به افراد اجازه داده شود بدون ترس از تنبیه و مجازات از دولت انتقاد کنند. نباید کسی را به دلیل داشتن عقاید خاص سیاسی متهم کرد. حکومت و سیاست امری الهی و مقدس است و هرکسی نمی‌تواند از آن انتقاد کند. افراد با گرایش‌های فکری گوناگون باید بتوانند عقیده و نظر خود را بیان نمایند. بر گرفته از شیوه مطالعه فرهنگ سیاسی آلموند و وربا (۱۹۶۳) و اینگلهارت و لزل (۲۰۰۵)، به-کار رفته در پیمایش فرهنگ سیاسی مردم ایران (ایسپا، ۱۳۸۵)، فاضلی و کلانتری، (۱۳۹۱)، و بهمنی طراز و دلاوری (۱۳۹۳).
آزادی	گروهی	گروه‌های سیاسی مختلف باید بتوانند سازمان و تشکیلات علنی داشته باشند. گروه‌ها و احزاب باید بتوانند برنامه‌های خود را به راحتی با مردم در میان بگذارند. گروه‌ها و احزاب باید بتوانند جلسات گروهی و حزبی را به صورت آزادانه برگزار نمایند. مردم حق دارند در انتخابات آزاد رهبرانشان را انتخاب کنند. شهروندان حق دارند در فرآیندها قوانین را تغییر دهند. بر گرفته از شیوه مطالعه فرهنگ سیاسی اینگلهارت و لزل (۲۰۰۵) و تسلر و گائو (۲۰۰۹)، به-کار رفته توسط احمدی (۱۳۹۰)، و بهمنی طراز و دلاوری (۱۳۹۳).
رسانه‌ها		روزنامه‌ها باید آزاد باشند تا واقعیت را آن طور که هست بنویسند و کسی نباید مانع آنها شود. راه‌اندازی و تأسیس رادیو و تلویزیون خصوصی در کنار صدا و سیما دولتی ضروری است. استفاده مردم از ماهواره و اینترنت باید تحت نظارت و کنترل دولت باشد. هیچ فرد یا گروهی حق ندارد در روزنامه، مجله یا کتاب از دولت، افراد و سازمان‌های وابسته به آن انتقاد کند. رسانه‌ها باید بتوانند به‌عنوان تربیون گروه‌های مختلف در جامعه عمل نمایند. مخالف سانسور و ممیزی مطبوعات هستیم. رسانه‌ها باید بتوانند بدون نگرانی به موضوعات مختلف بپردازند. برگرفته از شیوه مطالعه فرهنگ سیاسی آلموند و وربا (۱۹۶۳)، اینگلهارت و لزل (۲۰۰۵) و تسلر و گائو (۲۰۰۹)، به‌کار رفته در پیمایش فرهنگ سیاسی مردم ایران (ایسپا، ۱۳۸۵)، فاضلی و کلانتری (۱۳۹۱)، و بهمنی طراز و دلاوری (۱۳۹۳).
	فردی	باید به افراد جامعه اجازه داد تا اندیشه‌های متفاوت را مطرح کنند. باید از اعتراض افراد در مقابل برخی از مسائل جلوگیری کرد. باید به نظرات معترضان به عملکرد دولت گوش داد و با آنان وارد مذاکره منطقی شد.

ادامه جدول شماره: ۲

باید به کسانی که به اسلام اعتقادی ندارند نیز اجازه داد به راحتی عقاید خود را بیان کنند. بر گرفته از شیوه مطالعه فرهنگ سیاسی آلموند و وربا (۱۹۶۳)، به کار رفته در پیمایش فرهنگ سیاسی مردم ایران (ایسپا، ۱۳۸۵) و فاضلی و کلانتری، (۱۳۹۱).

جامعه باید در مقابل انتقادات و اعتراضات معترضان صبر و تحمل داشته باشد. منتقدان نظام نیز حق دارند در انتخابات ریاست جمهوری کاندیدا شوند. باید زمینه تداوم فعالیت گروه‌هایی که در انتخابات شکست می‌خورند فراهم شود. مخالفان عقاید ما هم باید حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در جامعه را داشته باشند. برگرفته از شیوه مطالعه فرهنگ سیاسی آلموند و وربا (۱۹۶۳)، به کار رفته در پیمایش فرهنگ سیاسی مردم ایران (ایسپا، ۱۳۸۵)، فاضلی و کلانتری (۱۳۹۱) و شیرینی (۱۳۹۳).

بایستی حق اکتساب مناصب سیاسی برای شهروندان متعلق به اقلیت‌های مذهبی نیز وجود داشته باشد. بایستی حق اکتساب مناصب سیاسی برای شهروندان متعلق به اقلیت‌های قومی نیز وجود داشته باشد. احزاب سیاسی مخالف حق برگزاری نشست‌های سیاسی را دارند. با تعطیل شدن روزنامه‌های مخالف با عقاید سیاسی خودم مخالفم. سیاسی با فعالیت سیاسی احزابی که نظرات متضادی با من دارند موافقم. باید افراد عضو گروه‌های سیاسی منتقد حکومت را از داشتن بسیاری از مزایای اجتماعی مانند شغل و تحصیلات محروم کرد. برگرفته از شیوه مطالعه فرهنگ سیاسی آلموند و وربا (۱۹۶۳)، اینگلهارت و لزل (۲۰۰۵) و تسلی و گائو (۲۰۰۹)، به کار رفته در پیمایش فرهنگ سیاسی مردم ایران (ایسپا، ۱۳۸۵)، فاضلی و کلانتری (۱۳۹۱) و بهمنی طراز و دلوری (۱۳۹۳).

مردان نسبت به زنان در عالم سیاست کارایی بیشتری دارند. مردان حق بیشتری برای اشتغال دارند. زنان حقوق برابری مانند مردان دارند. در شرایطی که مشاغل کمیاب هستند، مردان نسبت به زنان حق بیشتری برای گرفتن این یا آن شغل دارند. جنسیتی زنان باید بتوانند در حوزه رهبری سیاسی نیز فعالیت داشته باشند. تحصیلات دانشگاهی برای یک پسر مهم‌تر است تا برای یک دختر. زنان باید بتوانند در مراتب مدیریت تجاری نیز فعالیت داشته باشند. در مسائل خانواده، زنان نیز باید بتوانند اظهار نظر نمایند. زن باید همیشه از شوهر خود اطاعت کند.

ادامه جدول شماره ۲

<p>زنان نیز همانند مردان حق دارند که در تصمیم‌گیری‌ها برای خانواده مشارکت داشته باشند. در عکس‌العمل‌ها در مقابل رابطه پسر و دختر قبل از ازدواج نباید فقط یک طرف را محکوم کرد. بایستی شأن زنان در جامعه همانند مردان مورد احترام قرار بگیرد. برگرفته از شیوه مطالعه فرهنگ سیاسی آلموند و وربا (۱۹۶۳)، اینگلهارت و لزل (۲۰۰۵) و تسلا و گائو (۲۰۰۹). به کار رفته در پیمایش فرهنگ سیاسی مردم ایران (ایسپا، ۱۳۸۵)، احمدی (۱۳۹۰)، و بهمنی طراز و دلاوری (۱۳۹۳).</p>	
<p>علمای مذهبی نباید در تصمیمات دولتی دخالت کنند. اسلام باید تنها دینی باشد که در مدارس دولتی آموزش داده می‌شود. از نظر من مهم نیست که معلم‌ها مذهبی نباشند. فقط مسلمانان خوب به بهشت می‌روند. غیرمسلمان، خواه خوب یا بد به بهشت نمی‌رود. ادیان غیراسلام، عقاید عجیب و غریب و کفرآمیزی دارند. مردم همه ادیان دیگر احتمالاً همانقدر خوب و اخلاقی‌اند که هم‌مذهبان من. دین اسلام از سایر ادیان به خدا نزدیک تر است. برای من مهم نیست که همسایه‌ام به لحاظ دینی از من متفاوت باشد. حاضر هستم با فردی که دینی متفاوت از دین خودم دارد نیز خرید و فروش داشته باشم. از نظر من ایرادی ندارد که با فردی متفاوت از نظر مذهبی دوستی نمود. به نظر من ازدواج با فردی از ادیان دیگر اشکالی ندارد. برگرفته از مطالعه فرهنگ سیاسی آلموند و وربا (۱۹۶۳) و اینگلهارت و لزل (۲۰۰۵). به کار رفته در پیمایش فرهنگ سیاسی مردم ایران (ایسپا، ۱۳۸۵) و احمدی (۱۳۹۰).</p>	<p>مدارا مذهبی</p>
<p>برای من مهم نیست که همسایه‌ام به لحاظ قومیتی از من متفاوت باشد. حاضر هستم با فردی که قومیتی متفاوت از قومیت خودم دارد نیز خرید و فروش داشته باشم. از نظر من ایرادی ندارد که با فردی متفاوت از نظر قومی دوستی نمود. به نظر من ازدواج با فردی از اقوام دیگر اشکالی ندارد. مردم همه اقوام دیگر احتمالاً همانقدر خوب و اخلاقی‌اند که هم قومان من. باید به همه قومیت‌ها به یکسان نگریسته شود. قومیت من از هر قومیتی برتر است. سوالات محقق ساخته با اقتباس از مدل فرهنگ سیاسی اینگلهارت و لزل (۲۰۰۵).</p>	<p>قومی</p>
<p>باید در انتخابات شرکت نمود زیرا افراد حق دارند سرنوشت خود را تعیین کنند. افراد عادی جامعه در حدی نیستند که در مورد سیاست‌های اتخاذ شده از طرف دولتمردان اظهار نظر کنند. من در بحث‌های سیاسی شرکت می‌کنم.</p>	<p>فردی</p>

ادامه جدول شماره ۲:

مشارکت	<p>غالباً در کارهای گروهی مشارکت می‌کنم. وظیفه خود می‌دانم که در فعالیتهای اجتماعی مشارکت بکنم. به نظر من هر فردی در قبال جامعه مسئول است و باید مشارکت داشته باشد. تمایل به عضویت در احزاب و انجمن‌های سیاسی دارم. تمایل به عضویت در سازمان‌ها و تشکلهای مدنی دارم. تمایل دارم برای نقش‌های سیاسی داوطلب شوم. در جلسات پرسش و پاسخ نامزدهای انتخابات مشارکت می‌کنم. به فعالیت در روزنامه‌ها و مطبوعات سیاسی علاقه‌مندم. بر گرفته از شیوه مطالعه فرهنگ سیاسی آلموند و وربا (۱۹۶۳)، اینگلهارت و لزل (۲۰۰۵) و تسلر و گائو (۲۰۰۹). به کار رفته در پیمایش فرهنگ سیاسی مردم ایران (ایسپا، ۱۳۸۵)، فاضلی و کلاتتری، (۱۳۹۱)، و بهمنی طراز و دلاوری (۱۳۹۳).</p>
جمعی	<p>مشارکت در انتخابات حق مردم است نه تکلیف آنها. شرکت در انجمن‌ها و احزاب سیاسی مختلف بهترین راه قانونی برای دفاع از آرمان‌ها و عقاید است. شرکت در تظاهرات و گردهمایی‌های سیاسی حق قانونی و مشروع مردم برای اعلام اهداف و خواسته‌های شهروندان است. وجود احزاب زیاد با عقاید مختلف به هرج و مرج منجر می‌شود. اعتراض حق شهروندان است حتی اگر در مخالفت با دولت باشد. در جامعه‌ای مثل جامعه ما نباید به همه احزاب اجازه فعالیت سیاسی داد. ضرورتی ندارد تمامی شهروندان در امور سیاسی فعال باشند، اگر فقط نخبگان فعال باشند کافی است. بر گرفته از شیوه مطالعه فرهنگ سیاسی آلموند و وربا (۱۹۶۳)، به کار رفته در پیمایش فرهنگ سیاسی مردم ایران (ایسپا، ۱۳۸۵)، فاضلی و کلاتتری (۱۳۹۱) و شیری (۱۳۹۳).</p>

جدول شماره ۳: ضرایب آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های بعد آزادی

متغیر	خرده‌مقیاس	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ
آزادی فردی	آزادی فردی	۵	۰/۷۸۵
آزادی	آزادی گروهی	۵	۰/۷۵۸
آزادی رسانه	آزادی رسانه	۷	۰/۷۲۱

جدول شماره ۴: ضرایب آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های بعد مدارا

متغیر	خرده‌مقیاس	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ
مدارا	مدارای فردی	۴	۰/۷۱۰
	مدارای اجتماعی	۴	۰/۶۵۷
	مدارای سیاسی	۶	۰/۶۷۲
	مدارای جنسیتی	۱۲	۰/۸۰۶
	مدارای مذهبی	۱۱	۰/۷۴۶
	مدارای قومی	۸	۰/۷۳۲

جدول شماره ۵: ضرایب آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های بعد مشارکت

متغیر	خرده‌مقیاس	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ
مشارکت	مشارکت فردی	۱۱	۰/۷۶۳
	مشارکت جمعی	۷	۰/۷۱۲

جدول شماره ۶: ضرایب آلفای کرونباخ برای ابعاد سه‌گانه متغیر ارزش‌های دموکراتیک

متغیر	ابعاد	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ
ارزش‌های دموکراتیک	آزادی	۱۷	۰/۸۵
	مدارا	۴۵	۰/۸۲۲
	مشارکت	۱۸	۰/۷۷۱

همانگونه که از جدول مربوط به روایی ابعاد سه‌گانه متغیر ارزش‌های دموکراتیک پیداست، بعد آزادی با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۵ دارای بیشترین میزان روایی در بین ابعاد متغیر ارزش‌های دموکراتیک بوده و ابعاد مدارا یا تساهل با ضریب ۰/۸۲۲ و مشارکت با ۰/۷۷۱ در جایگاه‌های بعدی قرار گرفته‌اند و ضریب آلفای کرونباخ برای کلیت متغیر ارزش‌های دموکراتیک نیز عدد ۰/۸۹۵ به دست آمده است که نشان‌دهنده روایی بالا و قابل قبول برای این متغیر و همبستگی بین گویه‌های مربوط به متغیر ارزش‌های دموکراتیک می‌باشد.

نتیجه‌گیری

با وجود اینکه مفهوم ارزش‌های دموکراتیک از جمله پرکاربردترین مفاهیم مورد استفاده پژوهشگران علوم اجتماعی و سیاسی به شمار می‌رود و مطالعات نظری بسیار پرباری در این زمینه وجود دارد، ولی در عرصه مطالعات تجربی و در مقوله سنجش میزان گرایش شهروندان به ارزش‌های دموکراتیک شاهد این نقیصه هستیم که پرسشنامه‌ای جامع و مقبول در این زمینه وجود ندارد و محقق علاقه مند به پژوهش در این زمینه با مشکل کاستی روبروست. این کاستی از آنروست که اکثر بررسی‌های موجود در زمینه سنجش میزان گرایش افراد به ارزش‌های دموکراتیک در درون تحقیقات گسترده‌تر مربوط به بررسی مفهوم «ارزش‌ها و نگرش‌ها» و مفهوم «فرهنگ سیاسی» انجام شده‌اند (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۳؛ ایسپا، ۱۳۸۵؛ احمدی، ۱۳۹۰؛ احمدی و نمکی، ۱۳۹۲، بهمنی طراز و دلاوری، ۱۳۹۳؛ شیری، ۱۳۹۳؛ شریفی و همکاران، ۱۳۹۴)، و به‌خاطر دامنه وسیع این مفاهیم و با توجه به اینکه گرایش به ارزش‌های دموکراتیک فقط بعدی از ابعاد بی‌شمار مفاهیم ارزش‌ها و نگرش‌ها و مفهوم فرهنگ سیاسی به شمار می‌رود، تعداد بسیار اندکی از سوالات در این پژوهش‌ها به سنجش میزان گرایش افراد به ارزش‌های دموکراتیک اختصاص یافته‌اند.

از طرف دیگر با توجه به اینکه بسیاری از این تحقیقات با اقتباس از نظریات مطرح جهانی در زمینه فرهنگ سیاسی و تحت تأثیر این نظریات به انجام رسیده‌اند (ایسپا، ۱۳۸۵ با اقتباس از فرهنگ سیاسی آلموند و وربا، ۱۹۶۳؛ احمدی، ۱۳۹۰ با اقتباس از فرهنگ سیاسی اینگلهارت و ولزل، ۲۰۰۵؛ ذوالفقاری، ۱۳۹۰ با اقتباس از نظریه دموکراسی بیتهم، ۱۹۹۹ و نظریه فضای عمومی^۱ هابرماس، ۲۰۰۶؛ فاضلی و کلانتری، ۱۳۹۱ با اقتباس از فرهنگ سیاسی آلموند و وربا، ۱۹۶۳؛ احمدی و نمکی، ۱۳۹۲ با اقتباس از فرهنگ سیاسی اینگلهارت و ولزل، ۲۰۰۹؛ بهمنی طراز و دلاوری، ۱۳۹۳ با اقتباس از مدل فرهنگ سیاسی مردم سالارانه تسلر و گائو، ۲۰۰۹ و فرهنگ سیاسی اینگلهارت و ولزل، ۲۰۰۹؛ شیری، ۱۳۹۳ با اقتباس از نظریه فرهنگ سیاسی آلموند و وربا، ۱۹۶۳ و نظریه فرهنگ سیاسی

لاری دایاموند، ۲۰۰۳؛ و شریفی و همکاران، ۱۳۹۴ با اقتباس از نظریه فرهنگ سیاسی اینگلهارت و ولزل، (۲۰۰۹)، برخی از سوالات مطرح شده برای سنجش فرهنگ سیاسی مردم سالارانه در این پژوهش‌ها هر چند قابلیت مطرح شدن در جامعه غربی و با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و هنجارهای رایج در آن جوامع را دارند، اما در جامعه ما با توجه به ویژگی‌های خاص فرهنگی و ارزش‌ها و باورداشتهای غالباً مذهبی مردم نمی‌توان آن‌ها را به راحتی مطرح نمود و در صورت طرح شدن نیز با توجه به ماهیت این نوع سوالات می‌توان از ابتدا انتظار آن را داشت که تقریباً همه افراد نظری منفی درباره آن‌ها داشته و پاسخ منفی بدهند و عده‌ای هم در صورت موافق بودن با این سوالات نظر واقعی خود را ابراز نمایند از جمله چنین مواردی می‌توان به مسائلی همچون تساهل در برابر همجنسگرایی، تساهل در برابر فحشاء (خودفروشی)، تساهل در برابر سقط جنین، تساهل در برابر طلاق، تساهل در برابر اتانازی - پایان دادن به زندگی بیماران غیرقابل علاج، تساهل در برابر خودکشی، تساهل در برابر رابطه جنسی دختر و پسر پیش از ازدواج، مخالفت با داشتن رهبر قدرتمند، مخالفت با داشتن حکومت بنیادگرایی دینی (برگرفته از مدل فرهنگ سیاسی دموکراتیک اینگلهارت و ولزل ۲۰۰۵ و ۲۰۰۹)، اشاره کرد.

لذا با توجه به این نقاط ضعف، ما در طراحی پرسشنامه فعلی با در نظر گرفتن تمامی تحقیقات و مطالعات مرتبط با سنجش میزان گرایش افراد به ارزش‌های دموکراتیک و با بررسی تمامی سوالات به کار رفته در این تحقیقات، سوالات به کار رفته در آن‌ها را یکجا جمع کرده، برخی از سوالات ناهماهنگ با فرهنگ و ارزش‌های مردم ایران را حذف نموده و برخی دیگر را با سوالات دیگری که تناسب بیشتری با فرهنگ و هنجارهای جامعه ما دارند جایگزین نمودیم و پرسشنامه به دست آمده را به صورتی عملی مورد اعتبارسنجی قرار دادیم تا مشخص شود که در عمل و با رجوع به شهروندان متعلق به گروه‌های مذهبی، قومی و فرهنگی مختلف در شهر ارومیه این پرسشنامه تا چه میزان در سنجش میزان گرایش شهروندان به ارزش‌های دموکراتیک موفق عمل می‌کند و تا چه میزان قادر است ابعاد و وجوه مختلف ارزش‌های دموکراتیک از جمله میزان گرایش افراد به آزادی‌های فردی، گروهی، و رسانه‌ای، مدارای فردی، اجتماعی، سیاسی، جنسیتی، مذهبی، و قومی، و مشارکت‌های فردی و

اجتماعی را در میان شهروند ایرانی بسنجد. نتیجه، همانگونه که از جداول ارائه شده در بخش پیشین مشخص است، نشان‌دهنده این مطلب است که ابعاد سه‌گانه متغیر ارزش‌های دموکراتیک از نظر روایی در سطح قابل قبولی قرار گرفته‌اند و بعد آزادی با آلفای کرونباخ $0/850$ ، مدارا یا تساهل با آلفای کرونباخ $0/822$ و مشارکت با آلفای کرونباخ $0/771$ ، از نظر انسجام و هماهنگی بین گویه‌هایشان در سنجش میزان گرایش افراد به ارزش‌های دموکراتیک در سطح مطلوبی قرار دارند و متغیر ارزش‌های دموکراتیک در کلیت خود و با لحاظ کردن ابعاد سه‌گانه آزادی، مدارا، و مشارکت با کسب آلفای کرونباخ $0/895$ توانائی سنجش میزان گرایش شهروندان به ارزش‌های دموکراتیک را دارد.

منابع

- احمدی، یعقوب (۱۳۹۰)، رویکردهای قومی و گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی: مطالعه موردی شهر سنندج، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، دوره چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۰: ۲۵۶-۲۲۹.
- احمدی، یعقوب و نمکی آزاد (۱۳۹۲)، فرهنگ سیاسی دموکراتیک در میان نسل‌های ایرانی: تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی برای ایران، اقوام و استان‌های آن، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۴، شماره پیاپی (۵۱)، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۲: ۱۵۴-۱۳۱.
- اینگلهارت، رونالد و ولزل، کریستین (۱۳۸۹)، *نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی*، ترجمه یعقوب احمدی، تهران، انتشارات کویر.
- ایسپا (۱۳۸۵)، *پیمایش ملی فرهنگ سیاسی مردم ایران*، مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران.
- بشیری، حسین (۱۳۷۴)، *جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*، تهران، نشر نی.
- بهمنی طراز، غدیر و دلاوری، ابوالفضل (۱۳۹۳)، طبقه متوسط جدید و فرهنگ مردم سالاری در ایران: بررسی موردی شهر همدان، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، سال سوم، شماره ۱۰ (پیاپی ۴۰)، پاییز ۱۳۹۳: ۷۷-۵۳.
- بیتنام، دیوید و بویل، کوپن (۱۳۷۶)، *دموکراسی چیست؟ آشنایی با دموکراسی*، ترجمه شهرام نقش تبریزی، تهران، نشر ققنوس.
- جلالی، محمدرضا (۱۳۸۰)، مقومات دموکراسی، *بازتاب اندیشه*، شماره ۱۸: ۵۴-۴۷.
- ذوالفقاری، ابولفضل (۱۳۹۰)، رابطه نوع دینداری با نگرش به ارزش‌های دموکراتیک در میان دانشجویان تهرانی، *پژوهشنامه جامعه‌شناسی جوانان*، سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۹۰: ۹۶-۷۷.
- راسل، برتراند (۱۳۷۱)، *قدرت*، ترجمه نجف دریا بندری، تهران، نشر خوارزمی، چاپ سوم.
- راش، مایکل (۱۳۸۳)، *جامعه و سیاست (مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی)*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر سمت، چاپ سوم.
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۹۰)، *مرکز آمار ایران، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری*.

- شیری، حامد (۱۳۹۳)، زیست جهان‌دانشگاهی و نقش آن در شکل‌گیری فرهنگ سیاسی دموکراتیک (پیمایشی در بین دانشجویان دانشگاه تهران)، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال نهم، شماره ۴، پاییز ۱۳۹۳: ۱۰۳-۱۳۲.
- شریفی، اسماعیل؛ ساعی، علی؛ و معیدفر، سعید (۱۳۹۴)، تحلیل فرهنگ سیاسی ایران: مطالعه موردی شهروندان شهرهای ارومیه و خرم‌آباد، *جامعه‌شناسی تاریخی*، دوره ۷، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۴: ۹۱-۱۱۴.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۵)، *بنیادهای علم سیاست*، تهران، نشر نی.
- فاضلی، محمد و کلانتری، میترا (۱۳۹۱)، ارزش‌های دموکراتیک نسل‌ها: مطالعه موردی در شهر ساری، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، سال سیزدهم، شماره یک و دو، بهار و تابستان ۱۳۹۱: ۱۸-۱.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: دفتر طرح‌های ملی (۱۳۸۱)، *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان: یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور*، تهران، دفتر انتشارات طرح پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: دفتر طرح‌های ملی (۱۳۸۳)، *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان: یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور*، تهران، دفتر انتشارات طرح پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان.
- هلد، دیوید (۱۳۸۴)، *مدل‌های دموکراسی*، ترجمه عباس مخبر، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، جلد سوم.
- Almond, Gabriel A. & Verba, Sidney (1963) *The Civic Culture: Political Attitudes and Democracy in Five Nations*, Princeton University Press, USA.
- Beetham, David (1999) *Democracy and Human Rights*, Wiley Publications.
- Diamond, Larry (2003) *How People View Democracy: Findings from Public Opinion Surveys in Four Regions*, Center for the Study of Democracy, Paper Series, Irvine, CA.
- Gill, Graeme (2000) *Dynamics of Democratization*, ST Martin's Press.
- Habermas, Jürgen (2006) "Religion in the Public Sphere", *European Journal of Philosophy*, Vol. 14, Issue 1, April 2006, PP. 1-25.
- Held, David (1996) *Models of Democracy*, 2nd Edition, Polity Press, Great Britain.

- Ifeanacho, Martin Ikechukwa & Nwagm, Josephine (2009) "Democratization and National Integration in Nigeria", *Research Journal of International Studies*, Issue 9 (January, 2009), PP. 12-20.
- Inglehart, Ronald & Welzel, Christian (2005) *Modernization, Social Change and Democracy*, London, Cambridge University Press.
- Inglehart, Ronald & Welzel, Christian (2009), *Political Culture, Mass Beliefs, and Value Change, in Democratization*, Harper and Etc, Oxford University Press.
- Pillai, V.K., Diaz, H.L., Basham, R.E., & Ramirez-Johnson, J. (2011) "Democratic Attitudes and Social Capital in Latin America", *International Social Work*, Vol. 54, 6: PP. 767-779.
- Shepard, William E. (1987) "Islam and Ideology: Towards a Typology", *International Journal of Middle East Studies*, Vol. 19, No. 3 (Aug., 1987), PP. 307-335.
- Tessler, Mark & GAO Eleanor (2009) *Democracy and the Political Culture Orientations of Ordinary Citizens: A Typology for the Arab World and Beyond*, Blackwell Publisher ltd.